

Recognize and Explain International Legislative Criminal Developments in Response to Nuclear Terrorist Crimes

(Article Type: Original Research)

Peyman Namamian¹

Abstract

Nuclear terrorist crimes is at the core of the newest and most dangerous form of horrific terrorist crimes, and although it does not yet weigh on the body of human society as well as governments, the possibility of its occurrence has caused concern in the international community. However, the need to make every effort to prevent such crimes and to take the necessary measures to ensure international security prompted the international community to pursue a “principled criminal policy” in this area. The international community’s aggressive response to nuclear crime culminated in the ratification of the International Convention for the Suppression of Nuclear Terrorism on 13 April 2005. The Convention’s comprehensive approach seeks to provide a framework for the implementation of national and regional actions by States by developing and expanding international cooperation on nuclear terrorist crimes. The convention, while adopting a global approach set out in the former counterterrorism treaties, considers a preventive strategy against any nuclear terrorist offenses and criminalizes the act committed under it. Today, the main solution to prevent a nuclear catastrophe is to adopt preventive and repressive strategies in the acquisition of any nuclear equipment or fissile material by criminal groups to build an indigenous underground nuclear weapon. At the same time, the international community, with its convergence and consensus in the implementation of UN legal policies with a focus on common values and approaches to nuclear terrorism, will succeed in preventing and suppressing all aspects of this issue.

Keywords: Terrorist Crimes, Nuclear Terrorist Crimes, Counter-Terrorism Treaties, Convention on the Suppression of Nuclear Terrorism.

1. Assistant Professor Department of Law Faculty of Administrative Sciences and Economics Arak University; Corresponding Author: p-namamian@araku.ac.ir



شناخت و تبیین تحولات تقنینی کیفری بین‌المللی در قبال جرایم تروریستی هسته‌ای (نوع مقاله: علمی پژوهشی)

پیمان نامامیان^۱

چکیده

جرایم تروریستی هسته‌ای جدیدترین و خطرناک‌ترین شکل جرایم تروریستی بوده و به‌رغم آنکه هنوز سایه شوم آن بر پیکره جامعه انسانی و هم‌چنین دولت‌ها سنگینی نمی‌کند، اما احتمال وقوع آن موجب نگرانی جامعه جهانی شده است. با این حال، لزوم به‌کارگیری حداکثر تلاش جهت پیشگیری از وقوع چنین جرایمی و به منظور اتخاذ تمهیدات لازم برای تأمین امنیت بین‌المللی، جامعه جهانی را بر آن نمود تا در صدد اتخاذ «سیاست جنایی اصولی و مبنای» در این زمینه برآید. اقدامات تهاجمی جامعه جهانی در قبال جرایم تروریستی هسته‌ای، با تصویب «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای» در سیزدهم آوریل ۲۰۰۵ به اوج خود رسید. رویکرد جامع این کنوانسیون درصدد است با توسعه و گسترش همکاری‌های بین‌المللی در قبال جرایم تروریستی هسته‌ای، چارچوبی برای اجرای اقدامات ملی و منطقه‌ای دولت‌ها باشد. این کنوانسیون ضمن اتخاذ رویکردی جهانی مقرر در معاهدات ضدتروریسم سابق، راهبرد پیش‌گیرانه در قبال هرگونه جرایم تروریستی هسته‌ای مدنظر قرار داده و براساس آن اقدام ارتكابی را، جرم‌انگاری نمود. امروزه راه حل اصلی پیشگیری از یک فاجعه هسته‌ای، اتخاذ و اعمال راهبردهای پیشگیرانه و سرکوب‌گرانه در تحصیل هرگونه وسایل هسته‌ای یا مواد شکافت‌پذیر توسط بازیگران غیردولتی برای ساخت یک سلاح هسته‌ای بومی زیرزمینی است. این در حالی است که جامعه بین‌المللی با هم‌گرایی و اجماع در اجرای سیاست‌گذاری‌های حقوقی سازمان ملل متحد با محوریت ارزش‌ها و رهیافت‌های مشترک در قبال جرایم تروریستی هسته‌ای، توفیق پیشگیری و سرکوب همه‌جانبه را در این محور خواهند یافت.

واژگان کلیدی: جرایم تروریستی، جرایم تروریستی هسته‌ای، معاهدات ضدتروریسم، کنوانسیون سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران؛ نویسنده مسئول:

درآمد

جرایم تروریستی یکی از مقوله‌های مهم در حوزه امنیت ملی و بین‌المللی در جهان امروز است. این دسته از جرایم، در ادبیات سیاسی بسیاری از کشورها همواره به‌عنوان یک مسأله و یا موضوع امنیتی مهم مطرح بوده است، اما پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به یکی از مهم‌ترین مسائل امنیت بین‌المللی تبدیل شد. این پدیده به علت پیوندی که با فناوری‌های نوین پیدا کرده قابلیت تبدیل شدن به یک معضل راهبردی نوین برای امنیت بین‌الملل را دارد. نحوه ارتکاب جرایم تروریستی (نظیر هواپیمارمایی، گروگان‌گیری، خرابکاری^۱، بمب‌گذاری، سرقت از بانک و آدم‌ربایی سیاسی، قتل و غیره) و تنوع آن‌ها، همواره این هراس را به همراه دارد که بازیگران غیردولتی در راستای اهداف خود به سلاح‌های خطرناک‌تر و از جمله مواد رادیواکتیو و تسلیحات هسته‌ای مجهز شوند.

به‌رغم سطح روبه رشد تهدیدهای ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی، دامنه بین‌المللی آن و امکان استفاده و کاربرد این‌گونه جرایم تروریستی از سلاح‌های غیرمتعارف، تبیین و شناسایی تحولات پیرامونی آن در آینده در عرصه بین‌المللی برای مقابله با آن ضروری است (مبینی‌کشه و امیدی، ۱۳۹۸: ۲۳۹). از اینرو، با توجه به تحولات نوین امنیت بین‌المللی از جمله تحولات پس از ۲۰۱۱ و تشدید روندهای جرایم تروریستی در منطقه خاورمیانه برای یک مرتبه دیگر، ضرورت اتخاذ ملاحظاتی راهبردی به پدیده جرایم تروریستی به‌ویژه جرایم تروریستی هسته‌ای را فراهم آورده است (نژندی‌منش، مطلبی و حیدرقلی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۴۴). تفاوت این مقطع زمانی، حدود یک دهه قبل و در زمان وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ این است که در آن مقطع غرب خود را قربانی اول جرایم تروریستی معرفی می‌کرد و امروز غرب تنها قربانی جرایم تروریستی نیست و این پدیده فراگیری بیشتری پیدا کرده و

۱. «خرابکاری» بر رفتارهای مخرب است که در نهادها، بنگاه‌های دولتی، عمومی و خصوصی با قصد اختلال صورت می‌پذیرد (فرید، ۱۳۸۵: ۳۸)؛ البته در این بین «خرابکاری هسته‌ای» وفق تعریف آژانس بین‌المللی اتمی طی سال ۱۹۹۹، عبارت است از «ارتکاب هرگونه رفتار عمدی علیه تأسیسات هسته‌ای، وسایل حمل‌ونقل هسته‌ای یا مواد هسته‌ای و محصولات راجع به شکافت هسته‌ای که به‌گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم موجبات به‌مخاطره افکندن سلامت و ایمنی کارکنان، مردم و محیط‌زیست را با انتشار اشعه فراهم می‌کند» (ر.ک: مشکات و همکاران ۱۳۹۵: ۶۲).

محتمل است در قالب جرایم تروریستی هسته‌ای به‌عنوان یکی از چالش‌های راهبردی امنیت بین‌الملل آینده مطرح شود (رستمی، ۱۳۹۵: ۶۶).

با وجود طیف گسترده‌ای از تحولات مترقی طی نیم قرن گذشته، تهدیدات هسته‌ای همچنان یکی از بزرگترین چالش‌های امنیت نظامی و انسانی است. با گذشت زمان، تمرکز فعالیت‌های مقابله با منع گسترش سلاح‌های افقی که مانع از تولید سلاح‌های کشورهای غیرهسته‌ای است و گسترش سلاح‌های عمودی، ذخیره‌سازی سلاح‌های هسته‌ای در کشورهای موجود سلاح هسته‌ای، شامل غیر دولتی نیز می‌شود. دسترسی بازیگران بین‌المللی و مؤکداً بازیگران غیردولتی به فناوری‌های نوین در حوزه هسته‌ای به دلیل عدم وجود مدیریت کنترل و نظارت دقیق و مستمر، متأسفانه چالش‌ها و تهدیدهایی را برای صلح و امنیت طی ادوار گذشته و حتی آینده جامعه بین‌المللی ایجاد کرده است. چنین وضعیتی، چالش جهانی در مورد امنیت هسته‌ای را افزایش داده است که منجر به تحولات زیادی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. این در حالی است که در چنین شرایطی هیچ دولتی توانایی مقابله با چالش‌ها و تهدیدهای ناشی از ارتکاب جرایم سازمان‌یافته و سهولت دسترسی و استعمال سلاح‌های کشتار جمعی و به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای در ارتکاب «جرایم تروریستی هسته‌ای»^۱ [که عبارت است از «استفاده یا تهدید به استفاده از مواد پرتوزا یا مواد انفجاری هسته‌ای توسط افراد یا گروه‌های خارج از کنترل دولت، به منظور ایجاد وحشت و انجام جرایم تروریستی یا تهدید به انجام آن علیه تأسیسات هسته‌ای»] بدون همکاری بین‌المللی با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هم‌چون سازمان ملل متحد را ندارد؛ چرا که به‌طور اساسی این‌گونه تهدیدها به‌گونه‌ای فراملی ارتکاب می‌یابند و سازوکار مقابله با آن ضرورت اتخاذ تدابیری در چارچوب سیاست جنایی ملی و بین‌المللی را بیش از پیش آشکار

۱. لازم به‌ذکر است که تهدید هسته‌ای به‌منظور کسب منافع مالی و یا اجرایی نمودن سایر مطالبه‌های تهدیدکننده به‌عنوان «اخاذی هسته‌ای» تعبیر می‌شود. در واقع، موضوع تهدید، استعمال قدرت مخرب انرژی هسته‌ای است. از اینرو، تهدید به انتشار مواد رادیواکتیو نظیر پسماند هسته‌ای، تهدید به استعمال از سلاح هسته‌ای را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد (مشکات و عسگرخانی، ۱۳۹۸: ۶).

می‌سازد.^۱ از اینرو، ضمن الزام در جهانی شدن ابزارهای حقوقی نظیر کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای، باید سازوکارهای موجود برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای هم‌چون «طرح جهانی مبارزه با تروریسم هسته‌ای»^۲ تقویت و شفاف‌سازی شوند.

با این همه، پرسشی که نگارنده در پی آن خواهد بود این که «تحولات تقنینی بین‌المللی تا چه حدودی در شناسایی و تبیین موازین و قواعد پیشگیرانه از ارتکاب جرایم تروریستی هسته‌ای، مؤثر است؟» برای پاسخ به این پرسش باید سازوکارهای متنوعی که در ساختار مفادی اسناد بین‌المللی طی دهه‌های اخیر در پیشگیری و سرکوب ارتکاب جرایم تروریستی هسته‌ای از سوی جامعه بین‌المللی وضع شده‌اند، مورد سنجش حقوقی قرار گیرند. البته در این راستا می‌توان اذعان نمود مادامی که دولت‌ها با سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی در قلمرو حاکمیت دولت‌ها، به نحوی مؤثر و متناسب با جرایم ارتكابی، اجماع نمایند، این فرایند می‌توان ضمن اثرگذاری، موجبات پیشگیری و سرکوب آن‌ها را فراهم نماید. از اینرو، نگارنده در صدد است تا ضمن شناسایی فرآیند مقابله با چنین جرایمی در بستر حقوق بین‌المللی کیفری و مطالعه تحولات کیفری و اجرایی سازمان ملل متحد، سیاست‌گذاری‌های حقوقی و حمایتی حاکم بر مقابله با این‌گونه جرایم را مورد سنجش قرار دهد.

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و به روش سنجش محتوای اسنادی صورت پذیرفته است. در تقریر پژوهش پیش‌روی، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی، مبادرت به ارزیابی و سنجش اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج محقق از منابع و متون بوده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیش‌برداری بوده که محققان سعی بر آن داشته‌اند تا ضمن مطالعه در کلیه مقرره‌های قانونی در امور کیفری و منابع کتابخانه‌ای در خصوص تحولات نظم

۱. وقوع سه حادثه تروریستی دهشتناک از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۶ (از جمله حملات «آنوم شین‌ریکیو» در سال ۱۹۹۵ در توکیو، حملات تروریستی سال ۲۰۰۱ در نیویورک و مسمومیت «الکساندر والتروویچ لیتویننکو» در لندن با استفاده از پلوتونیوم-۲۱۰ در سال ۲۰۰۶) مؤید خطر دستیابی بازیگران غیردولتی گروه‌های جنایی به ادوات، مواد، یا سلاح‌های دارای قابلیت کشتار جمعی می‌باشند.

2. Global Initiative to Combat Nuclear Terrorism (GICNT); See: <http://www.gicnt.org>

قانون گذاری در قلمرو نظام بین المللی راجع به جرایم تروریستی هسته‌ای، نسبت به سنجش و ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری شده مبادرت نمایند. البته لازم به ذکر است که داده‌های این پژوهش به‌طور عمده بر مقرره‌های بین‌المللی ابتناء داشته و اطلاعات جمع‌آوری شده به‌واسطه سنجش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. با این همه، اذعان می‌گردد که روش‌شناسی پژوهش در این مقاله از نظر هدف، کاربردی و از حیث ابزار تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای است.

۱. چالش‌ها و تحولات کیفری تقنینی بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی با همکاری دولت‌ها در این رابطه سکوت اختیار نکرده و معاهدات، قطعنامه‌ها و نظریه‌های مشورتی گوناگونی را به تصویب رسانده‌اند؛ هرچند با گسترش این اقدامات، ضرورت اتخاذ تدابیر مؤثر و راهگشا به سهولت احساس می‌گردد. بر همین اساس از جمله تلاش‌های جامعه بین‌المللی در زمینه مواجهه با ابعاد و ظواهر گوناگون جرایم تروریستی، تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم از سوی مجامع بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشند. که مؤید نگرانی‌های ناشی از گسترش فزاینده جرایم تروریستی به ویژه با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در سطوح گوناگون جهانی، منطقه‌ای و ملی است (Downes and Hobbs, 2017: 218-219).

طی سال ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد «راهبرد جامع ضد تروریسم»^۱ را با هدف توسعه چارچوب‌های حقوقی و اجرایی برای همکاری در ظرفیت‌سازی برای سرکوب شبکه‌های تروریستی و کنترل مواد تأمین‌کننده سلاح‌های کشتار جمعی تصویب کرد.^۲ به‌علاوه، راهبرد مزبور در سال ۲۰۱۲ دائر به

1. UN Doc A/RES/60/288 (20 September 2006).

۲. «راهبرد جهانی ضد تروریسم» از یک برنامه اقدام تشکیل شده که مشتمل بر چهار رکن اصلی است: الف- رسیدگی به شرایط مناسب برای گسترش جرایم تروریستی، ب- اقدامات پیشگیری و مبارزه با جرایم تروریستی، ج- اقدامات برای ایجاد ظرفیت دولت‌ها در پیشگیری و مبارزه با جرایم تروریستی و تقویت نقش نظام‌مند سازمان ملل متحد در این رابطه، د- اقدامات برای اطمینان از احترام به حقوق بشر برای همه و حاکمیت قانون به‌عنوان پایه اساسی در قبال جرایم تروریستی؛ با وجود این، اگرچه چنین طرحی به جرایم تروریستی هسته‌ای متمرکز نیست، اما به یک باره برخی از مسائل و چالش‌های راجع به امنیت را که در ارتباط با بازیگران غیردولتی و جرایم تروریستی است را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

این امر که همکاری بین‌المللی و اقدامات انجام شده از سوی دولت‌های عضو برای پیشگیری و مقابله با جرایم تروریستی باید به‌طور کامل به تعهدات خود وفق موازین بین‌المللی نظیر منشور ملل متحد به ویژه اهداف و اصول آن و کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مرتبط، در چارچوب حقوق پناهندگی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه انطباق داشته باشد، به‌طور مجدد تکرار شد.^۱ این در حالی است که پدیده «جرایم تروریستی هسته‌ای» به مثابه یکی از چالش برانگیزترین جرایم تروریستی در قرن حاضر با استعمال مدرن‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی، موجب شد تا دبیرکل وقت سازمان ملل متحد ضمن ایراد سخنرانی در اکتبر ۲۰۰۱، آخرین گزارش خویش را در سال ۲۰۰۵ راجع به جرایم تروریستی هسته‌ای ارائه و آن را چالش و تهدیدی جدی علیه نظام بین‌المللی عنوان نمود. به‌علاوه، نگرانی فزاینده‌ای که درخصوص ارتکاب جرایم تروریستی هسته‌ای وجود دارد، توجه نظام بین‌المللی را به سوی امنیت سلاح‌های هسته‌ای، پلوتونیوم، اورانیوم قابل استفاده در سلاح‌های هسته‌ای، مواد رادیواکتیو با غلظت پائین و تأسیسات هسته‌ای معطوف ساخته است. وجود چنین نگرانی‌هایی موجب شد تا جامعه بین‌المللی جهت سرکوب تروریسم هسته‌ای سیاست‌هایی را اتخاذ نماید. البته ایده معاهداتی راجع به سرکوب اقدامات تروریستی هسته‌ای به سال ۱۹۹۰ و پس از گسترش نگرانی‌ها راجع به تهدیدات تروریستی ناشی از به کارگیری مواد هسته‌ای و پرتوزا باز می‌گردد. بنابراین به‌طور کلی افزایش نگرانی پس از جنگ سرد در مورد تروریسم و به ویژه تروریسمی که از سلاح‌های هسته‌ای، رادیولوژیک، شیمیایی و بیولوژیک استفاده می‌کند موجب گردید تا مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۲۱۰/۵۱ در دسامبر ۱۹۹۶ برای سرکوب اقدامات تروریسم هسته‌ای کمیته خاص را ایجاد نماید. در کنار کلیه اسناد و معاهدات بین‌المللی مقابله با تروریسم، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در راستای رسالت خود کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای را در سال ۲۰۰۵ به تصویب رساند. از اینرو، رویکرد جامع این کنوانسیون درصدد است با توسعه و گسترش همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با جرایم تروریستی هسته‌ای، چارچوبی جهت اعمال راهبردهای ملی و

1. UN Doc A/RES/66/282 (12 July 2012).

منطقه‌ای دولت‌ها باشد. در مقابل، با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نه تنها کشورها، بلکه جامعه بین‌المللی مکلف به تشدید سازوکارهای پیشگیری و مبارزه با جرایم تروریستی شدند که در این راستا اسناد متعدد و گوناگونی از سوی کشورها در قالب حقوق داخلی و نیز جامعه بین‌المللی در قابل معاهدات، قطعنامه‌ها، اعلامیه و توصیه‌نامه‌ها تصویب و منتشر شد. حوادث مزبور و در مقابل آن جنگ علیه جرایم تروریستی، علی‌رغم عدم تأثیر در مذاکرات پیرامون مسائل هسته‌ای، اما کلیه مسائل مربوط به سیاست‌گذاری هسته‌ای را دچار تغییر و تحول کرد؛ در این زمینه به عنوان نمونه می‌توان به وضعیت موجود در معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای اشاره نمود که مسائل جدی و بسیار مهمی را در خصوص مفهوم و کارایی بازدارندگی هسته‌ای در جهان مطرح کرد (قیاسی، ۱۳۸۸: ۸۱).

۲. راهبردی‌های تهاجمی در قبال جرایم تروریستی هسته‌ای

۱-۲. نقش سازمان‌های بین‌المللی در تقویت همکاری‌های کیفری بین‌المللی

از زمان تأسیس سازمان‌های بین‌المللی تاکنون با هر نوع مشکلی که امنیت جهانی را نقض کرده است برخورد کرده اند و در این زمینه راهبردهای گوناگونی ارائه کرده اند، یکی از موارد تهدیدآمیز صلح به خصوص در عصر کنونی جامعه جهانی، پدیده جرایم تروریستی است که در این زمینه بیشتر سازمان‌های بین‌المللی، به خصوص سازمان ملل متحد قطع‌نامه‌های بسیاری در این زمینه صادر کرده‌اند. در واقع موضوع جرم تروریستی یک تهدید جهانی است (Korstanje, 2019: 34). جرایم تروریستی نظیر قتل، گروگانگیری، هواپیمارمایی و تخریب اموال و اماکن، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را نقض کرده و روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است. ماهیت جهانی این مسأله، جامعه بین‌المللی را وادار به انجام اقداماتی در قبال جرایم تروریستی کرده است؛ گرچه اقدامات متعددی اعم از یکجانبه، دوجانبه و یا منطقه‌ای برای کنترل جرایم تروریستی صورت گرفته، اما در نگاه رویکرد نهادگرایی نئولیبرال (ر.ک: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۷: ۵۷۱-۵۶۹)، اقدامات همه جانبه و مشارکت تمامی دولت‌ها در قبال جرایم تروریستی امری اجتناب‌ناپذیر است و مناسب‌ترین مکان برای حل این مشکل جهانی، سازمان ملل متحد است.

سازمان ملل متحد در قلمرو حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نقش فعالی در سیاست جنایی مبارزه با جرایم تروریستی بین‌المللی دارد و در همه مراحل مختلف سیاست جنایی مبارزه با جرایم تروریستی بین‌المللی ایفای نقش می‌کند؛ اما این تنها بخشی از کارکردهای سازمان ملل متحد در ارتباط با جرایم تروریستی بین‌المللی است که از دیدگاه توجه به مسأله صلح و امنیت بین‌المللی صورت می‌گیرد. با تبیین نقش این سازمان در حوزه حقوق بشر، جایگاه سیاست جنایی مبارزه با جرایم تروریستی بین‌المللی در این سازمان بیش‌تر مشخص و برجسته‌تر خواهد بود. البته با افزایش جرایم تروریستی، دولت‌ها به اهمیت سازمان‌های جهانی در قبال جرایم تروریستی پی برده‌اند. عمده‌ترین نتیجه پاسخ حقوقی جامعه بین‌المللی، انعقاد کنوانسیون‌هایی است که در صدد تنظیم یا توسعه صلاحیت کیفری دولت‌های عضو نسبت به جرایم تروریستی گوناگون جنایی و در نهایت مجازات متهمین به ارتکاب چنین به عنوان مهم‌ترین دلیل تهدید امنیت و صلح جهانی مطرح شد، و جامعه جهانی تنها از طریق فعالیت‌های جمعی سازمان‌ها توانست از میزان این تهدیدات بکاهد و به منظور پیشگیری از وقوع حوادث دیگر شبیه به این موضوع، اقداماتی را انجام دهد. در واقع فعالیت‌های سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های غیر رسمی مدافع صلح، در آماده کردن افکار جامعه جهانی به منظور مبارزه با جرایم تروریستی بسیار تاثیرگذار بوده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت (Colangelo and Hayes, 2019: 232-234).

سازمان‌های بین‌المللی نقش با ارزشی را در همکاری و ارائه کمک به دولتها برای اجرای مفاد قطعنامه ۱۳۷۳ ایفاء می‌نمایند. کمیته ضدتروریسم برای بررسی چگونگی همکاری این سازمان‌ها در چارچوب اقدام علیه جرایم تروریستی از سال ۲۰۰۱ جلساتی ویژه با سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی را برگزار نموده است. در این راستا نخستین جلسه در ۶ مارس ۲۰۰۳ با حضور ۵۷ سازمان بین‌المللی برگزار شد که به تبادل اطلاعات در خصوص کدها، قواعد و رویه‌های مناسب در تخصص خود و سازمان‌های منطقه‌ای و ملی به تهیه و تدوین سازوکارها برای تسهیل کمک و همکاری میان دولت‌های همسایه منجر شد. در راستای این همکاری، هر سازمان زمینه تخصصی خود را در اولویت قرار داد و بر این اساس از

اتلاف هزینه و تداخل فعالیت جلوگیری به عمل آمد. به علاوه در سال‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به ترتیب جلساتی در واشنگتن توسط سازمان کشورهای آمریکایی و «کمیته بین‌آمریکایی مبارزه با تروریسم»^۱، در وین از سوی دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا و در آلمانی توسط «جامعه دولت‌های مستقل» برگزار شد.

۲-۲. سنجش عملکرد و رویه دبیرکل سازمان ملل متحد

اهم اقداماتی را که سازمان ملل متحد بر پایه حقوق کیفری هسته‌ای در قبال جرایم تروریستی هسته‌ای صورت داده است شامل تصویب اسناد و رژیم‌هایی در ابعاد متنوع می‌باشند. اسناد و رژیم‌های مورد نظر شامل کنوانسیون‌های مصوب مجمع عمومی، اسناد الزام‌آور و ارشادی و قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای حکام، دیوان کیفری بین‌المللی، رژیم عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و ابتکار امنیت گسترش می‌باشند (Bersagel, 2014: 238-240).

«بان کی‌مون» هشتمین دبیرکل سازمان ملل متحد بود که کار خود را به طور رسمی از اول ژانویه سال ۲۰۰۷ آغاز کرد. وی در خصوص مدیریت جامعه جهانی، اعتقاد دارد که ارکان سه‌گانه اساسی سازمان ملل متحد یعنی، «صلح و امنیت»، «توسعه» و «حقوق بشر» مؤلفه‌های رفع کلیه چالش‌های موجود در این نظام بوده که بدون توسعه و تأمین رفاه هماهنگ نمی‌توان انتظار برقراری صلح، امنیت و رعایت حقوق بشر را داشت. آنچه در باب این اعتقاد و یا نظریه می‌توان اذعان نمود این‌که تناقض و ناهمگونی در کلام و دیدگاه در مقایسه با عملکرد و رفتار وی به طرز کاملاً برجسته‌ای مشهود و محرز است. مؤید این امر وجود ناامنی، خشونت و نقض صلح، در اقصی نقاط جهان به‌ویژه در منطقه خاورمیانه بوده که نظام جهانی را در قرن بیست و یک با چالش کم نظیر مواجه ساخته است. پیش از حضور بان کی‌مون به عنوان دبیرکل در سازمان ملل متحد، ساختار اساسی سازمان با چالش‌ها و تعارضاتی در اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای تقنینی و اجرایی مواجه بود که نقطه اوج آن را می‌توان در عدم رسیدگی حقوقی و قضایی به حادثه

دهشتناک ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر پایه موازین بین‌المللی جستجو کرد. این حادثه به‌گونه‌ای واضح شکاف عمیق میان ارتباط متقابل سازمان ملل متحد با دولت‌های عضو در چارچوب قواعد و حقوق بین‌المللی را آشکار ساخت.

تا پیش از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جرایم تروریستی پدیده‌ای داخلی به شمار می‌رفت، اما پس از آن به پدیده‌ای جهانی مبدل شد. از اینرو، با بروز این حوادث، حقوق بین‌الملل سنتی به حاشیه رانده شد؛ چرا که توانایی واکنش به حملات تروریستی مزبور را نداشت و بر این اساس عاجز از تعیین ماهیت حقوقی آن بود و این امر موجب شد تا حقوق بین‌الملل نوینی آشکار گردد. البته در مقابل اسناد بین‌المللی موجود سازوکارهایی را برای این امر مقرر نمودند که به مثابه واکنشی در تقابل با شرایط جدید می‌توانند به گونه‌ای مناسب تفسیر و اجرا شوند.

یکی از اهداف مبارزه با جرایم تروریستی دفع حمله دشمن و امحای آن است و اگر حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و اقدامات مشابه بعدی در هر جای جهان در چارچوب حقوق بین‌الملل تفسیر شود نه تنها موجبات مقابله ثمربخش فراهم می‌گردد، بلکه موجب تقویت، توسعه و تکامل نظام بین‌المللی خواهد شد، اما متأسفانه با وجود ساختاری نامتوازن در گستره سازمان ملل متحد، نه تنها این هدف حاصل نشد، بلکه با اتخاذ سیاست‌های دوگانه از سوی دولت‌های به‌ظاهر حامی مبارزه با جرایم تروریستی موجبات رشد و توسعه فزاینده جرایم تروریستی را فراهم کرد. در این رابطه می‌توان به وجود و وقوع حوادث تروریستی گوناگون و پی‌درپی در منطقه خاورمیانه به‌واسطه ایجاد گروه داعش با حمایت دولت‌های غربی اشاره نمود^۱ (Weiss and Hassan, 2016: 23).

در حال حاضر، رفتارهای جنایی دهشتناک [یا به تعبیری «جرایم تروریستی»] به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدهای فراروی صلح جهانی، مقابله با آن به خودی خود تعیین‌کننده نظام‌گنش و واکنش نیست. مقابله با چنین جرایمی باید از نظمی منطقی تبعیت کند؛ نظمی که در مقابل همه پدیدارهای ضد صلح تعریف شده و در ارزش‌های فطری، الهی و انسانی نهفته است. نظام بین‌المللی فاقد یک راهبرد روشن و جامع در مواجهه با تهدید و نقض صلح است. از این‌رو، سازوکارها و تدابیر ضد جرایم تروریستی مقرر در اسناد بین‌المللی موجود، گاه جهت و مجرائی را در

۱. می‌توان به نمونه اخیر این‌گونه حوادث در ابتدای سال ۲۰۱۷ در استانبول ترکیه که منجر به کشته شدن دست‌کم سی‌وپنج تن و زخمی شدن چهل‌وشش تن شد، اشاره نمود. این در حالی که تنها این کشور طی سال ۲۰۱۶ شاهد سی‌هزار تروریستی بود که در نتیجه آنها بیش از چهارصد و پنجاه نفر کشته و هزاران نفر زخمی شدند؛ بیشتر این حملات در قلب اقتصادی و سیاسی ترکیه یعنی در دو شهر استانبول و آنکارا واقع شده‌اند.

پیش گرفته‌اند که الزاماً با تدابیری که در خصوص سایر مقوله‌های صلح جهانی ایجاد شده‌اند، سازگاری ندارند، بلکه تناقض و ناسازگاری‌های آنها در عمل به وضوح نمایان می‌شود. نمونه آن، نقش جرایم تروریستی و ضد آن در نقض حقوق بشر و حقوق اساسی ملت‌ها است.

عملکرد دبیرکل طی یک‌دهه مسئولیت در سازمان ملل متحد، متأسفانه آن چنان در برخورد (اعم از پیشگیری و سرکوب) با جرایم تروریستی اثرگذار نبود. در اواخر عمر مسئولیت و مدیریت وی با دریافت حمایت مالی از رژیم آل سعود در حذف نام این کشور از لیست سیاه به علت دخالت در کشتار کودکان یمن، کارنامه ضعیف خود را به‌طور کامل تضعیف و محو ساخت. بان کی‌مون البته خود اعتراف کرد که خروج عربستان سعودی از فهرست ناقضان حقوق کودکان سازمان ملل متحد تصمیمی دشوار و دردناک بود که مجبور به انجام آن شد. وی در این رابطه اذعان نمود: «من رئیس اداری این سازمان هستم و مجبورم که بحران‌های بسیاری که هم‌زمان در حال وقوع هستند را در نظر بگیرم. خروج عربستان سعودی از فهرست سیاه دردناک است، اما مجبور بودم این تصمیم را بگیرم تا اقدامات سازمان ملل متحد را (به‌ویژه در حوزه بشردوستانه جاری) حفظ کنم.»^۱

این‌ها استدلال و منطق دبیرکلی است که وارث نظم، صلح، امنیت، توسعه و حقوق بشر در جهان چالش‌زای قرن حاضر است. «آیا می‌توان با چنین استدلال، ساختار و سیاست‌هایی در چارچوب سازمان ملل متحد صلح و امنیت را در جهان استوار ساخت؟» به‌راستی جهان کنونی با پرسشی سخت و دشوار مواجه است. چرا که منطق پیرامونی و عقیدتی دبیرکل اذهان جهانی را با پاسخی منفی و شک‌آور مواجه می‌سازد. به‌علاوه، اقداماتی که طی یک‌دهه عملکرد و اتخاذ سیاستی ناهمگون و بدون ایجاد همگرایی میان دولت‌ها با سازمان ملل متحد در مواجهه با جرایم تروریستی صورت گرفته است، نه‌تنها در پیشگیری و سرکوب آن اثری نداشته، بلکه متأسفانه شاهد رشد

۱. دبیرکل سازمان ملل متحد در ۱۵ می ۲۰۲۰، ائتلاف نظامی به رهبری عربستان سعودی را از فهرست سیاه سازمان ملل متحد حذف کرد؛ از اینرو، دبیرکل سازمان ملل متحد، در حالی نام ائتلاف سعودی را از فهرست کودکان‌کشان حذف کرده است که به اعتراف سازمان‌های بین‌المللی، جمع زیادی از کودکان و نوجوانان یمنی در فجایعی نظیر بمباران اتوبوس حامل دانش‌آموزان، بمباران هوایی منازل مسکونی و مدارس و بیمارستان‌ها جان خود را از دست داده‌اند؛ <http://mail.irdiplomacy.ir/fa/news>

و گسترش روزافزون نیز هستیم؛ مؤید این امر ارتکاب جرایم تروریستی، خشونت‌آمیز و افراطی متعدد از سوی گروه داعش که با حمایت‌های همه‌جانبه برخی دولت‌ها و عدم نظارت‌کنشی و واکنشی صحیح سازمان ملل متحد می‌باشد.

با این همه، «آنتونیو گوترش»^۱ با کسب بیشترین نظر مساعد از سوی مجمع عمومی در میان سیزده کاندیدای دیگر، به عنوان دبیرکل جدید با ادای سوگند در مجمع عمومی به‌طور رسمی در اول ژانویه ۲۰۱۷ ریاست سازمان ملل متحد را بر عهده گرفت و سخن مجمع عمومی اظهار داشت: «بی‌ثباتی روزافزون است. مردم برخی کشورها در مقیاسی بی‌سابقه، به فرار از کاشانه خود مجبور شده‌اند. جرایم تروریستی، مشکل اصلی امروز است.» آنچه در سخنان وی همچون دبیرکل پیشین مشهود و آشکار بوده مقابله جدی و اتخاذ سیاست‌های کنشی و واکنشی در مواجهه با جرایم تروریستی است، اما نکته قابل تأمل وجود ساختاری ناعادلانه، ناهمگون و متعارض در ساختار سازمان ملل متحد است که دبیرکل جدید در راستای مقابله با جرایم تروریستی و هرگونه جنایت بین‌المللی و حتی برقراری صلح و امنیت، باید پیش از اتخاذ هر سیاست و راهبردی، درصدد اصلاح ساختار دوقطبی مستقر در سازمان ملل متحد برآید. هر چند دبیرکل جدید فعالیت خود را طی پنج سال آینده به عنوان دبیرکل در سازمان ملل متحد با رویارویی با سوریه، یمن، سودان جنوبی، لیبی^۲ و سایر بحران‌های جهانی هم‌چون جرایم تروریستی و تغییرات آب و هوایی آغاز کرده است، اما حمایت ایالات متحده آمریکا از این سازمان بین‌المللی هم‌چنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

به نظر می‌رسد که وضعیت و جایگاه کنونی سازمان ملل متحد از حیث اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای ضد جرایم تروریستی به‌گونه‌ای نیست که توانایی پیشگیری، مقابل و سرکوب را داشته باشد که این امر به چالش‌های دبیرکل جدید می‌افزاید. بنابراین وی باید بستری مناسب و فارغ از هرگونه تنش سیاسی را در باب

1. António Guterres

۲. در لیبی، خطر افزایش ارتکاب جرایم تروریستی بیش از گذشته بوده و مبارزان از سوریه به لیبی متواری شده تا به گروه داعش ملحق شوند؛

مدیریت جهانی در قبال جرایم تروریستی فراهم کند تا شاید اندکی در زمان اتمام دوره پنج ساله دبیرگلی وی در سازمان ملل متحد آثاری مطلوب و قابل دفاع به جای گذارد.

۳. سیاست گذاری‌های حقوقی، اجرایی و امنیتی

نخستین کوشش‌های جامعه بین‌المللی به‌عنوان سیاست‌های حقوقی و قانونی برای انعقاد یک سند حقوقی بین‌المللی برای مقابله با جرایم تروریستی در تمامی اشکال و مظاهر آن به دوره جامعه ملل باز می‌گردد. پس از ترور برخی مقامات بلند پایه دولت‌ها، جامعه ملل از طریق یک کمیته کارشناسی طی سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۷ تلاش کرد تا اسناد بین‌المللی مناسبی جهت مقابله با جرایم تروریستی از طریق تهیه پیش‌نویس «کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم» و طرح پیش‌نویس یک دادگاه کیفری بین‌المللی تدوین کند. با این وجود هیچ یک از این دو سند، لازم‌الاجرا نشد.

در دهه هفتاد میلادی با «کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت بر ضد اشخاص تحت حمایت بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک» این موضوع به صورت مجدد در دستور کار مراجع بین‌المللی قرار گرفت. به رغم اینکه سند مذکور که دامنه شمول محدودی داشت، اما «کنوانسیون اروپایی سرکوب تروریسم» دایره شمول وسیعی داشت. هدف از این دو سند که نتوانستند پذیرش عمومی بیابند، هماهنگ‌سازی قوانین داخلی دولتهای عضو در زمینه کنوانسیون بود. در عین حال به آنها اجازه می‌داد که بر کنوانسیون شروطی را بدین مضمون که در ارتباط با اعمال خشونت‌هایی که دارای انگیزه‌های سیاسی هستند قانون ملی آنها اولویت دارد، وارد نمایند. این ادعا علی‌رغم اینکه میان جرایم تروریستی در سال ۱۹۳۷ و وضعیت جهانی در ابتدای قرن بیستم، چه از نظر سیاق بین‌المللی، ریشه‌ها و عواقب احتمالی حملات تروریستی و چه از نظر عدم شناخت، کیفیت و شدت همکاری میان دولت‌هایی که به دنبال برخورد با این پدیده‌اند یا بین محدودیت‌هایی که مانع جامعه ملل شده بود، وجود ندارد. برخی مسائل با اتخاذ اسنادی خاص مرتفع شده است به عنوان مثال مرتکب جرمی که مشمول یک سند ضد جرایم تروریستی است، نمی‌تواند به دلایل و انگیزه‌های سیاسی برای گریز از تعقیب یا استرداد، استناد کند.

تاکنون تعداد قابل توجهی از معاهدات راجع به مقابله با جرایم تروریستی در بخش‌های خاص منعقد شده‌اند، اما طرح انعقاد یک سند جامع که به ویژه حاوی یک تعریف حقوقی از تروریسم باشد تا کنون به نتیجه‌ای نرسیده است. در سال ۱۹۹۴، مجمع عمومی ملل متحد^۱ به بررسی تمامی تدابیری پرداخت که دولت‌ها برای مقابله با جرایم تروریستی تشویق به اتخاذ آنها شده بودند و اسناد حقوقی موجود که به ابعاد گوناگون معضل جرایم تروریستی می‌پرداختند را بر شمرد. برای تحقق این امر که اتخاذ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب جرایم تروریستی هسته‌ای این مشکل مرتفع شود، اتخاذ اقداماتی مناسب در خصوص یک متن جامع علیه جرایم تروریستی باید بدون تأخیر ادامه یابد. حقیقت آن است که بحث حقوقی در مورد این موضوع همچنان در جریان است و تضادهای سیاسی ظریف و مستمری را میان موافقان انعقاد یک کنوانسیون جامع ضد جرایم تروریستی و حامیان رویکرد موضوعی یا بخشی که انعقاد کنوانسیون‌هایی با دامنه شمول محدود را ترجیح می‌دهند، برانگیخته است (Black-Branch, 2017: 208–211).

در راستای سیاست‌های اجرایی و امنیتی با اذعان داشت که در واقع در سراسر فعالیت‌های مقدماتی کنوانسیون، بسیاری از هیأت‌های نمایندگی، به کرات بر اهمیت نیل در خصوص یک تعریف حقوقی دقیق و صریح از جرایم تروریستی در چارچوب یک سند جامع تأکید داشتند.^۲ با این وجود و علی‌رغم اینکه فعالیت در خصوص کنوانسیون جامع به جایی نرسید، متن کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای تدوین و تصویب شد. البته در این بین می‌توان اذعان داشت که سابقه طرح مساله ضرورت پیشگیری از رفتار جرایم تروریستی هسته‌ای در عرصه بین‌المللی به سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد. در سال ۱۹۶۷ فرمانده نظامی استان «سین کیانگ» چین، در پی وقوع اختلاف سیاسی با دولت مرکزی چین، تهدید می‌کند که پایگاه هسته‌ای در آن استان را اشغال و نابود خواهد کرد.

1. A/RES/49/60, 17 February 1995, Measures to eliminate international terrorism.

2. A/60/37 Supplement No. 37, I April 2005, Paragraph 19, Page 19, Report of the Ad Hoc Committee established by General Assembly resolution 51/210 of 17 December 1996.

در مارس سال ۱۹۷۳ نیز یک گروه تروریستی مسلح نیروگاه هسته‌ای «آتوشا»^۱ در آرژانتین را مورد حمله قرار داده و اشغال می‌کنند و این حوادث و حوادث مشابه آن نظر دولت‌ها و محافل بین‌المللی را به خود جلب کرده و ضرورت پیشگیری و برخورد با جرایم تروریستی هسته‌ای را مطرح ساخت. در پی چنین وقایعی، برخی از محافل بین‌المللی، از جمله «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» ضرورت پیشگیری و مبارزه با جرایم تروریستی هسته‌ای را در دستور کار خود قرار داد و متعاقباً یک سلسله مقررات و دستورالعمل‌ها را تهیه و تدوین کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز، هر چند که مساله ضرورت پیشگیری و مبارزه با جرایم تروریستی هسته‌ای را به‌طور مستقیم و مستقل در دستور کار خود قرار نداد. اسناد و پیش‌نویس قطعنامه‌هایی که برای اجلاس سران دولت‌ها در مقر ملل متحد (۱۴ الی ۱۶ سپتامبر سال ۲۰۰۵) تهیه شد موجب گردید تا دولت‌ها هر چه زودتر اسناد موضوعی را با یک کنوانسیون جامع در خصوص تروریسم بین‌المللی کامل کنند.^۲

اولین اقدام بین‌المللی در قبال جرایم تروریستی هسته‌ای وفق موازین «حقوق کیفری هسته‌ای»^۳، تصویب «کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای» در تاریخ سوم مارس سال ۱۹۸۰ در وین است که در سال ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا گردید. مذاکرات اولیه کنوانسیون در اکتبر سال ۱۹۷۹ صورت گرفته بود. مواد هسته‌ای که در این

1. Atousha

2. A/59/L.70.13 September 2005, Paragraph 83, Draft Resolution Presented by the President of the General Assembly, Draft final document of the High- Level Plenary Meeting of the General Assembly of September 2005.

۳. شناسایی هنجارهای حقوقی از طریق قانون‌گذاری انرژی هسته‌ای، به‌منابه بخشی از نظام عام حقوقی ملی، ضرورت دارد. از اینرو، وضع مقرره‌های حاکم بر انرژی هسته‌ای در این فرآیند، موجب حفاظت از اشخاص، اموال و محیط‌زیست را با ایجاد چارچوب حقوقی برای هدایت اقدامات و فعالیت‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای، می‌شود. بنابراین می‌توان حقوق هسته‌ای را به مجموعه‌ای از هنجارهای خاص حقوقی که جهت قاعده‌سازی عملکرد اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) در فعالیت‌های مرتبط با مواد شکافت‌پذیر و قرارگیری در معرض منابع آن، اطلاق کرد (کارلتون استوبیر و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۴). به‌علاوه، در راستای شناسایی رابطه میان حقوق هسته‌ای و حقوق کیفری و پیوند و آمیختگی میان آن‌ها، می‌توان به تأسیس شاخه‌ای جدید موسوم به «حقوق کیفری هسته‌ای» (Criminal Nuclear Law) اشاره داشت که مشتمل بر مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور در سطوح گوناگون (اعم از ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) است تا ضمن جرم‌انگاری کلیه شیوه‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای یا مواد رادیواکتیو و پرتوزا، دولت‌ها را ملزم به جرم‌انگاری آنها نماید (نمایان و آقامحمدی، ۱۳۹۹: ۱۵۷).

کنوانسیون مورد حمایت واقع شده عبارتند از: پلوتونیوم، اورانیوم-۲۳۵، اورانیوم-۲۳۳ و سوخت پرتو افکن. بر پایه ساختار حقوق کیفری هسته‌ای و در چارچوب کنوانسیون مذکور، کلیه دولت‌های عضو باید اقدامات مقرر در ماده ۷ را جرم انگاری و نسبت به تعیین مجازات بر اساس قانون داخلی اقدام نمایند. در جولای سال ۲۰۰۴، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گزارشی مبنی بر اصلاح برخی از مواد کنوانسیون مورد بحث بر اساس بند یک ماده ۲۰ منتشر نمود تا چنانچه اکثر اعضای امضاءکننده کنوانسیون موافق باشند، با حضور کلیه اعضای کنفرانسی برای اصلاح کنوانسیون در راستای پیشگیری بهتر از «جرایم تروریستی هسته‌ای» تشکیل یابد.

گزارش گروه کاری سیاست‌گذاری در مورد سازمان ملل متحد و تروریسم که در سال ۲۰۰۲ تنظیم و منتشر شد، در بند ۳۶ خود مقرر می‌دارد که: «مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار داشته که سرقت سلاح هسته‌ای و مالکیت بازیگران غیردولتی بر آنها و قابلیت تولید و انفجار مواد قابل انفجار هسته‌ای، نسبتاً بعید است.» قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت مصوب آوریل سال ۲۰۰۴، با تأکید بر ممنوعیت گسترش تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک، نگرانی شدید خود را از قاچاق غیر قانونی این تسلیحات ابراز داشته و تدابیری را برای پیشگیری از دسترسی بازیگران غیردولتی به تسلیحات مذکور مقرر داشته که برخی از آنها عبارتند از امتناع دولت‌ها از حمایت نقش آفرینان غیردولتی که به دنبال توسعه، کسب، تولید، مالکیت، انتقال یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیک و وسایل پرتاب آنها هستند؛ تصویب قوانین مؤثر و مناسب از سوی دولت‌ها در مقابله با گروه‌هایی که به دنبال تولید، تحصیل، تملک، انتقال یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیک و وسایل پرتاب آنها به ویژه برای اهداف جنایی دهشتناک هستند؛ (Prelas, 2010: 80-86; Loue and Coupland, 2007: 329-341).

قطعنامه‌های ۱۳۷۳ در سال ۲۰۰۱، قطعنامه ۱۵۴۰ سال ۲۰۰۴ و نیز قطعنامه ۱۷۳۵ سال ۲۰۰۶ شورای امنیت و کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی، چارچوبی حقوقی را در مواجهه با جرایم تروریستی تشکیل داده

که باید به گونه‌ای مطابق با تعهدات بین‌المللی مقرر در اسناد حقوق بشری به اجرا درآیند. اسناد مزبور به واسطه وجود کنوانسیون بین‌المللی راجع به مبارزه با تروریسم هسته‌ای، کنوانسیون اصلاحی حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و پروتکل مبارزه با اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی سکوهاى ثابت مستقر در فلات قاره (الحاقی به کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتی‌رانی دریایی) تکمیل می‌شوند که با تصویب آن‌ها در سال ۲۰۰۵ همگی لازم‌الاجرا شده‌اند که وجود آن‌ها مؤید تأسیسی نوین در نظام حقوق هسته‌ای و در پرتو موازین کیفری آن موسوم به حقوق کیفری هسته‌ای است.

افزون بر اقدامات فوق، شعبه پیشگیری از تروریسم دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد به کشورهای نیازمند همکاری حقوقی و قانونی برای تهیه پیش‌نویس قوانین ضد جرایم تروریستی مناسب که به طور شایسته تعهدات مقدمه در قطعنامه ۱۳۷۳، تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه القاعده و طالبان و همین‌طور تعهدات مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرایم تروریستی از جمله کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای را مدنظر قرار دهند، کمک می‌کند. این شعبه نیز در راستای سیاست‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبادرت به تقویت ساز و کارهای همکاری بین‌المللی در امور کیفری مرتبط با جرایم تروریستی، از طریق ظرفیت‌سازی ملی می‌نماید. در ۱۳ آوریل ۲۰۰۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای» را تصویب نمود. البته در آخرین اقدام بین‌المللی پیرامون مقابله با جرایم تروریستی هسته‌ای، نشست امنیت هسته‌ای که مورد حمایت شورای امنیت در قطعنامه ۱۸۸۷ مورخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹ قرار گرفته بود، در ۱۳ آوریل ۲۰۱۰ در واشنگتن با حضور نمایندگان چهل و هفت دولت، اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برگزار شد. اوباما در افتتاحیه این نشست، اعضا را به گذار از حرف و وعده، بلکه اتخاذ اقدامات عملیاتی برای تأمین امنیت جهان در قبال جرایم تروریستی هسته‌ای فراخواند. به عقیده وی، «برای نجات از خطر سلاح هسته‌ای، به روش جدید تفکر و اقدام نیازمندیم» (علایی، ۱۳۸۹).

تلاش بین‌المللی برای جرم‌انگاری اقدام‌های تروریستی هسته‌ای تنها به دهه‌های پیشین باز می‌گردد. در اجلاس نخست کمیته خاص مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در دسامبر سال ۱۹۹۶ به موجب قطعنامه ۲۱۰/۵۱ مجمع عمومی ایجاد شده بود، پیش‌نویس کنوانسیون در خصوص جرایم تروریستی هسته‌ای تسلیم مجمع شد.^۱ در آن زمان پیشرفت قابل توجهی در فعالیت صورت گرفت و در نهایت به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ به تصویب کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب گذاری‌های تروریستی و کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم انجامید.^۲ در سپتامبر ۱۹۹۸ کمیته ششم مجمع عمومی چنین کار گروهی را ایجاد و فیلپ کرچ از کانادا را به‌عنوان رئیس آن تعیین کرد.^۳ این کمیته ویژه دومین جلسه خود را از ۱۷ لغایت ۲۷ فوریه ۱۹۹۸ برای مطالعه و بررسی پیش‌نویس کنوانسیون تروریسم هسته‌ای تشکیل داد که چندی پیش از آن از طریق دولت روسیه ارائه گردیده بود. در پنجمین اجلاس این کمیته ویژه در سال ۱۹۹۸، هیأت روسیه به‌طور رسمی متن پیش‌نویس خود از کنوانسیون تروریسم هسته‌ای را ارائه کرد.^۴ محرک اقدام روسیه احساس نیاز جدی این دولت برای مواجهه با تهدیدات بالقوه جرایم تروریستی هسته‌ای شامل به‌کارگیری بمب‌های هسته‌ای و نیاز به اتخاذ اقدامات متقابل مؤثر بین‌المللی علیه این تهدیدات بود. روسیه بر این باور بود که اسناد چند جانبه فعلی برای پاسخگویی به تهدیدات مستتر در جرایم تروریستی هسته‌ای کافی نیستند. آنها استدلال می‌کردند که کنوانسیون جدید خلاء قانونی بجا مانده از سایر معاهدات، به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۸۰ در خصوص حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای را مرتفع خواهد کرد.^۵

1. A/AC.252/L.3 of 28 January 1998, Convention on the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism; Draft submitted by the Russian Federation.

2. A/RES/52/164 of the General Assembly and Resolution A/54/109.

3. Measures to Eliminate International Terrorism: Report of the working Group, un GA DOCA/C.6/53/L.4 53 rd sess, 22 oct 1998, at2.

4. See draft text of the convention on the suppression of acts of nuclear terrorism submitted by the Russian Federation, UN Doc A/AC.252/L.3 and Corr.1 and Corr.2, in 'Report of the Ad Hoc committee established by General Assembly Resolution 51/210 of 17 December 1996', UN GAOR 53 rd sess., Suppl No. 37, A/53/37, 23July1998; Annex I (hereinafter Russian draft text).

5. Convention on the Physical Protection of Nuclear Material, 3 Mar 1980, TIAS No. 11080, 1456UNTS 101, here in after Convention on Nuclear Materials.

قطعهنامه ۲۱۰/۵۱ (۱۹۹۷) در ارتباط با اتخاذ تدابیری برای برخورد با جرایم تروریستی نیز این اقدام را تشویق کرد، زیرا که زبان دقیقی را به کار برد و به کمیته خاصی که ایجاد کرده بود اختیاراتی واگذار نمود. مجمع عمومی در مقدمه این قطعهنامه اعلام می‌کند که دولت‌ها بایستی امکان تدوین کنوانسیون‌های جامع در مورد رفتار جرایم تروریستی بین‌المللی در آینده را مد نظر داشته و ضرورت افزایش همکاری بین‌المللی برای پیشگیری از استفاده از مواد هسته‌ای جهت اهداف مجرمانه خشونت‌آمیز و تدوین یک سند حقوقی مناسب را بپذیرند. کمیته خاص در نخستین اجلاس خود در سال ۱۹۹۷، بررسی پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای را که از سوی فدراسیون روسیه تسلیم شده بود در دستور کار خویش قرار داد.^۱ در اجلاس دوم کمیته، جمهوری فدراسیون روسیه یک سند الحاقی را که توضیحات^۲ و تفسیراتی را که در مورد متن پیش‌نویس ارائه می‌داد به کمیته تسلیم نمود. به هنگام تسلیم پیش‌نویس، نماینده روسیه بر ضرورت تقویت پیشگیری و پوشش خلاءهای سیستم حقوقی بین‌المللی موجود برای مقابله با جرایم تروریستی به ویژه در خطرناکترین اشکال آن تأکید کرد. به اعتقاد وی کنوانسیون ۱۹۸۰ حفاظت فیزیکی از تأسیسات هسته‌ای دچار خلاءهای جدی است. از آنجایی که کنوانسیون حفاظت فیزیکی میان جرایم تروریستی هسته‌ای و دیگر اقدامات مجرمانه که در آن از مواد هسته‌ای استفاده می‌شود تفکیکی قائل نمی‌شود، این سند جدید این امکان را فراهم می‌سازد که تروریسم هسته‌ای به‌طور شفاف‌تر تعریف شده و به‌عنوان یک جرایم تروریستی متمایز شود. پیش‌نویس پیشنهادی روسیه همچنین شامل مقرراتی در خصوص اقدامات متقابل برای مبارزه با جرایم تروریستی بود، از جمله رویه‌هایی که می‌بایست پس از یک بحران اتخاذ کرد نظیر مسترد کردن هر نوع مواد رادیو اکتیو و تجهیزات به کار رفته در یک جرم به مالکان واقعی آن (Brill and Bernhard, 2015).

1. Previously Cited document, A/AC.252/L.3 28 January 1997, Convention on the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism Presented by the Russian Federation.

2. A/AC.252/L.3/Add. 1 of 14 January 1998, Explanatory note on the draft Convention on the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism presented by the Russian Federation.

هیأت نمایندگی روسیه قویاً بر این مطلب تأکید نمود که اسناد موجود در جامعه بین‌المللی دامنه شمول وسیعی ندارد و نمی‌تواند کلیه جرایم تروریستی را پوشش دهد و علاوه بر این به اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای اشاره نمی‌کند. کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای تنها سند موجود حقوق هسته‌ای محدود به حمل و نقل بین‌المللی مواد هسته‌ای است که برای اهداف صلح‌آمیز به کار می‌روند و مواد هسته‌ای دارای منشأ نظامی درون سایت‌های نگاهداری در کشورهایی که می‌توانند هدف جرایم تروریستی قرار گیرند را در بر نمی‌گیرد، به علاوه، اینکه کنوانسیون ۱۹۸۰ هم‌چنین تمایزی میان جرایم تروریستی هسته‌ای و دیگر اعمال مجرمانه قائل نمی‌شود.

۴. رویه‌ها و ملاحظات حمایتی

خلع سلاح و کنترل تسلیحات، از حساس‌ترین عرصه‌های بین‌المللی است که در آن جدال حاکمیت دولت‌ها با یکدیگر و اخیراً هم با روند انسانی‌شدن نظام حقوق بین‌الملل به وضوح آشکار است. در این میان، سیاست بین‌المللی که انعکاسی از همین حاکمیت‌ها است، در پی‌ریزی قواعد، شیوه‌های تفسیر و هم‌چنین فرایند اجرای موازین خلع سلاح، نقشی اساسی و بنیادین را ایفا می‌کند. از اینرو، فرایند مزبور که دارای وضعیت مختص به خود در مقایسه با سایر بخش‌های نظام حقوق بین‌المللی است، هم‌چنان اصل حاکمیت دولت‌ها به صورت چشمگیر نمود داشته و به‌طور اساسی دولت‌ها نسبت به تحدید یک‌طرفه حاکمیت و عدم توازن در حقوق معاهدات، واکنش‌های صریحی داشته و دارند (McConaghy, 2017: 104-107).

کنترل سلاح‌های هسته‌ای و عدم گسترش مواد و فناوری‌های هسته‌ای در محدودیت جرایم تروریستی هسته‌ای اهمیت فزاینده‌ای دارند. کنترل مؤثر علیه جرایم تروریستی هسته‌ای مستلزم آن می‌باشد که دولت‌ها برای حفاظت از سلاح‌های هسته‌ای، مواد شکافت‌پذیر قابل کاربرد در آن سلاح‌ها، دیگر مواد رادیواکتیو و تأسیسات هسته‌ای شیوه‌های مناسبی را به کار بندند. این تدابیر مشتمل بر فن‌آوری، مداخله انسانی، متدها و روش‌ها، بررسی منظم و روز آمد کردن این تدابیر و تجهیزات است (Biro, 2017: 2687-2693). از اینرو، مبارزه موفقیت‌آمیز با جرایم تروریستی

نیازمند گردآوری اطلاعات از دولت‌ها و همکاری پلیس محلی است. با این حال، راهبرد غایی مبارزه جدی با جرایم تروریستی هسته‌ای (یعنی راهبرد مبتنی بر نفی سه امر بمب‌های هسته‌ای ره‌اشده، بمب‌های هسته‌ای در دست ساخت و دولت‌های جدید دارای سلاح هسته‌ای) پیشگیری و سرکوب بازیگران غیردولتی از دسترسی به این جنگ افزارها و عناصر سازنده آنهاست؛ و سرانجام مبارزه با سلاح‌های هسته‌ای یا مبارزه با مواد مورد نیاز برای ساخت سلاح‌های هسته‌ای، به مفهوم نابودی جرایم تروریستی هسته‌ای است (Gale and Armitage, 2018: 1246-1245).

در نخستین بخش این راهبرد (یعنی مبارزه با بمب‌های هسته‌ای آزادشده) باید بدون تردید از همه سلاح‌های هسته‌ای حفاظت کامل بشود، یا مواد قابل بهره‌گیری در سلاح‌های اتمی زیر یک «استاندارد امنیت بین‌المللی» قرار گیرد تا تضمین لازم برای پیشگیری از دسترسی بازیگران غیردولتی به این سلاح‌ها یا قطعات سازنده آنها حاصل گردد. آمریکا و روسیه باید با هم چنین استنادی را به دست دهند و بدون تردید برای نگهداری از سلاح‌ها و مواد هسته‌ای به گونه‌ای بسیار شفاف وارد عمل شوند تا مطمئن شوند که زرادخانه‌ها نمی‌تواند مورد دستبرد بازیگران غیردولتی قرار گیرد (Allison, 2017: 4). پس از آن، مسکو و واشنگتن باید به سرعت به دیگر دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای روی آورند و از آن‌ها بخواهند این استاندارد جدید را برای برقراری امنیت اتمی بپذیرند و دیگر اعضای باشگاه اتمی نیز از همکاری واشنگتن و مسکو در این زمینه اطمینان یابند.^۱

اقدامات حقوقی در سطح بین‌المللی پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ صورت پذیرفته است که بیشتر در خصوص عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای،

۱. لازم به ذکر است که «ابتکار جهانی برای مبارزه با تروریسم هسته‌ای» به‌عنوان یک مشارکت بین‌المللی است که به ریاست مشترک ایالات متحده و روسیه با مشارکت ۸۶ کشور و پنج ناظر رسمی با هدف بهبود ظرفیت بین‌المللی در رابطه با جرایم تروریستی هسته‌ای انجام می‌شود. برای این منظور، شرکای ابتکار جهانی مجموعه‌ای از اصول اصلی امنیت هسته‌ای را در سراسر طیف کامل از اهداف بازدارندگی، پیشگیری، کشف و واکنش به جرایم تروریستی هسته‌ای تأیید کرده‌اند که اهداف اصلی آن شامل «معماری جهانی برای مبارزه با جرایم تروریستی هسته‌ای»، «گردآوری تجارب و تخصص از شاخه‌های عدم اشاعه، منع اشاعه و ضد تروریسم» و «فراهم آوردن فرصتی برای دولت‌ها برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات و تخصص در چارچوبی داوطلبانه و غیرالزام‌آور» است؛

حفاظت فیزیکی از مواد و تجهیزات و تأسیسات هسته‌ای برای پیشگیری از سرقت یا استفاده غیرمجاز از آنها، ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای، منع آزمایش‌های هسته‌ای در فضای ماورای جو و زیرآب، استفاده صلح‌آمیز از فضای ماورای جو از جمله ماه و سایر اجزای سماوی و ممنوعیت استقرار سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی در بستر و کف اقیانوس، بوده است. طی سال ۲۰۰۶ دفتر پیشگیری از تروریسم دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد به طور روز افزون به مسأله جرایم تروریستی هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک به منزله بخشی از ارائه همکاری فنی جاری خود در خصوص مسائل حقوقی ضد جرایم تروریستی و امور ظرفیت‌سازی مربوطه توجه کرده است. فعالیت‌های تخصصی دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم، بر اساس قطعنامه (۲۰۰۵) ۱۹ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و قطعنامه‌های مجمع عمومی (همچون ۶۲/۷۰، ۶۲/۱۷۲ و ۶۲/۱۷۵) سازماندهی شده‌اند که نقش این شعبه را در همکاری با کشورها در جهت عضویت در کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای و سایر اسناد قانونی اخیر جمله اصلاحیه ۲۰۰۵ کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای سال ۱۹۷۹، پروتکل ۲۰۰۵ کنوانسیون سرکوب اعمال غیرقانونی بر ضد ایمنی کشتیرانی دریایی و پروتکل ۲۰۰۵ پروتکل سرکوب اعمال غیر قانونی بر ضد ایمنی سکوه‌های ثابت مستقر در فلات قاره و اجرای آن‌ها به رسمیت شناختند.

راهبرد ضدتروریسم جهانی سال ۲۰۰۶ سازمان ملل متحد (قطعنامه ۲۷۲/۶۲ و ۲۸۸/۶۰ مجمع عمومی)، در میان سایر موارد، از سازمان ملل دعوت به عمل می‌آورد تا هماهنگ سازی در طراحی یک واکنش به حمله با استفاده سلاح یا مواد هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک را افزایش دهد و دفتر پیشگیری از تروریسم دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد را تشویق می‌کند تا ارائه همکاری فنی خود به کشورها را جهت تسهیل اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی و پروتکل‌های مربوط به پیشگیری و مبارزه با جرایم تروریستی و قطعنامه‌های ذی‌ربط سازمان ملل متحد را تقویت کند. فعالیت‌های همکاری فنی شعبه پیشگیری از تروریسم دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد در زمینه جرایم تروریستی هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک در چارچوب

پروژه جهانی «تقویت رژیم حقوقی ضد تروریسم»^۱ به اجرا در می‌آیند. این شعبه از زمان راه اندازی پروژه جهانی در ژانویه سال ۲۰۰۳ همکاری تخصصی در تصویب اجرای اسناد قانونی جهانی علیه جرایم تروریستی را یا از طریق همکاری مستقیم مختص به کشور یا از طریق ساماندهی کارگاه‌های منطقه‌ای به دولت‌های عضو ارائه کرده است. این فعالیت‌ها طی هماهنگ‌سازی دقیق با کمیته ضد تروریسم و دبیرخانه اجرایی ضد تروریسم^۲ آن تقبل و به طور مشترک با سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای با محدودیت ادغام کارشناسی دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد با صلاحیت‌های سایر عاملان در زمینه‌های موضوعی و جغرافیایی خاص به اجرا در آمده‌اند. فعالیت دفتر موجب افزایش چشمگیری در آمار تصویب اسناد قانونی جهانی علیه جرایم تروریستی، شرح و تفضیل قانون‌گذاری ضد جرایم تروریستی جدید یا اصلاح شده توسط کشورهای کمک گرفته و همین‌طور آگاهی و آموزش چند هزار تن از مسئولان عدالت کیفری در کشورهای کمک گرفته در خصوص تمهیدات و کاربرد عملی اسناد جهانی ضد تروریسم شده است (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Strengthening the Legal Regime against Terrorism
2. Counter-Terrorism Executive Directorate (CTED)

برآمد

با مطالعات صورت‌گرفته و یافته‌های پژوهش، امروزه راه حل اصلی پیشگیری از یک فاجعه هسته‌ای، اتخاذ و اعمال راهبردهای پیشگیرانه و سرکوب‌گرانه در تحصیل هرگونه وسایل هسته‌ای یا مواد شکافت‌پذیر توسط بازیگران غیردولتی برای ساخت یک سلاح هسته‌ای بومی زیرزمینی است. افزون بر این، مطلوب‌ترین راه مقابله با جرایم تروریستی هسته‌ای در نظام حقوق کیفری هسته‌ای، خلع سلاح و کنترل دقیق تسلیحات است؛ هرچند که این دیدگاه به سهولت قابل رد بوده، اما تنها ناظر به کاهش تهدیدات ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی هسته‌ای است. بنابراین در صورتی که مواد و فناوری هسته‌ای روند روبه‌گسترش داشته باشد، محتمل خواهد بود که تروریست‌ها به آن مواد دست یافته و در جهت نیل به اهداف خویش از آن استفاده خواهند کرد.

با این همه، روند هسته‌ای قرن بیست و یکم ضمن تمایل به توسعه امنیت، امکان مقابله با جرایم تروریستی هسته‌ای را دارد، اما نظام حاضر فاقد مبنای حقوقی و سازوکارهای زیر است:

الف- در پیشگیری از فعالیت‌های اشخاص و شرکت‌ها در گسترش سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری، توانایی لازم و مکفی وجود ندارد.

ب- چارچوب حقوقی امنیت هسته‌ای به‌نحو گسترده‌ای در بسیاری از توافقاتنامه‌های بین‌المللی موجود و کنوانسیون ایمنی هسته‌ای، نیازمند سازوکاری هماهنگ است.

ج- چارچوب حقوقی اصلی که تخلفات هسته‌ای گوناگون را جرم‌انگاری می‌کند در بسیاری از اسناد حقوق بین‌الملل (لازم‌الاجرا و غیرالزامی) معرفی شده است، اما به نحوی پراکنده. از اینرو، تصویب معاهده‌ای جامع در جرم‌انگاری اقدام‌های تروریستی هسته‌ای ارتكابی می‌تواند در ضمن پرداختن به این موضوع، به‌مثابه یک مرجع هماهنگ اطلاق شود.

د- تنظیم و تثبیت توافقاتنامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با حقوق‌شناسی معامله و نقل‌وانتقال غیرقانونی هسته‌ای یک گام بحرانی در رژیم عدم گسترش هسته‌ای است.

از این رو، به نظر می‌رسد که نظام عدم گسترش و حتی پادمان‌های موجود در چارچوب آژانس بین‌المللی در قبال چنین جرایمی باید راهبردهای نوینی را در پیشگیری و سرکوب وضع و به مرحله اجرا گذارند تا امکان مواجهه همه‌جانبه با جرایم تروریستی هسته‌ای در سطوح گوناگون اعم قلمرو داخلی دولت‌های و جامعه بین‌المللی فراهم شود. از اینرو، پیشنهادهای کاربردی ذیل برای بهبود وضع و اجرای رژیم عدم گسترش در قبال جرایم تروریستی هسته‌ای ارائه می‌شوند:

الف- طراحی سازوکاری برای بررسی همکاری در فرآیندهای اجرا شده توسط دولت‌ها و نهادهای خصوصی برای اطمینان از امنیت هسته‌ای؛
ب- بهبود روابط میان دولت‌ها در انعکاس اطلاعات و اسناد مرتبط با اقدام‌های تروریستی؛

ج- ارتقای سطح همکاری بین‌المللی در ایمنی و امنیت مواد هسته‌ای؛
د- ایجاد نظام کنترل بین‌المللی بر ایمنی هسته‌ای با پشتیبانی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در انجام مسئولیت‌های امنیتی هسته‌ای آن‌ها؛
ه- جهانی‌شدن کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای؛
ز- تقویت و شفافیت سازوکارهای مقرر در رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نظیر ابتکار جهانی برای مبارزه با تروریسم هسته‌ای؛

ز- پای‌بندی دولت‌ها برای تقویت علت منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تقویت امنیت هسته‌ای و کاهش خطر ناشی از جرایم تروریستی هسته‌ای وفق تعهدات مقرر در قطعنامه‌های (۲۰۰۴) ۱۵۴۰ و (۲۰۱۶) ۲۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد.

منابع

الف - فارسی

۱. استوبیر، کارلتون و دیگران (۱۳۸۸)، *حقوق هسته‌ای*، ترجمه اصلی عباسی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول.
۲. فرید، محمدامین (۱۳۸۵)، *تخریب اموال غیردولتی*، تهران: رهروان قلم، چاپ اول.
۳. قیاسی، وحید (۱۳۸۸)، «*تروریسم هسته‌ای و تحول در مفهوم بازدارندگی*»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۷۷)، «*نظریه نهادگرایی نئولیبرال و همکاری‌های بین‌المللی*»، سیاست خارجی، شماره ۴۷.
۵. رستمی، فرزاد (۱۳۹۵)، «*تروریسم هسته‌ای و آینده امنیت بین‌الملل*»، مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۲۶.
۶. علایی، حسین (۱۳۸۹)، «*بررسی گزارش بازنگری وضعیت هسته‌ای آمریکا و اثر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*»، گزارش راهبردی، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، هشتم مردادماه.
۷. کاظمیان، علی‌اصغر (۱۳۸۳)، «*جایگاه و نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین‌الملل*»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۸. مبینی‌کشه، زهرا و علی‌امیدی (۱۳۹۸)، «*موج چهارم تروریسم و روندهای آینده تروریسم بین‌الملل*»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۲.
۹. مشکات، سیدمصطفی، احمد رضانی، سهراب صلاحی و مریم مرادی (۱۳۹۵)، «*جستاری بر خرابکاری هسته‌ای در سامانه کیفری ملی با رویکردی به مقررات برخی دیگر از کشورها*»، مجلس و راهبرد، شماره ۹۵.
۱۰. مشکات، سیدمصطفی و ابومحمد عسگرخانی (۱۳۹۸)، «*خاذهی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل با تمرکز بر کنوانسیون منع سلاح هسته‌ای ۲۰۱۷*»، سیاست خارجی، شماره ۳.

۱۱. نژندی منش، هیبت‌الله، مسعود مطلبی و جعفر حیدرقلی زاده (۱۳۹۶)، «تروریسم جهانی و تأثیر آن بر روند امنیت در خاورمیانه»، مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۲۹.

۱۲. نمایان، پیمان و ابراهیم آقامحمدی (۱۳۹۹)، «سنجش موازین کیفری حقوق هسته‌ای در اسناد بین‌المللی»، مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳.

ب - انگلیسی

1. Allison, Graham(2017), “**America and Russia: Back to Basics**,” National Interest, August 14, available at <<http://nationalinterest.org/feature/america-russia-back-basics-21901>>.
2. Bersagel, Annie Golden(2014), “**Use of Nuclear Weapons as an International Crime and the Rome Statute of the International Criminal Court**”, in: Nuclear Weapons under International Law, Edited by Gro Nystuen, Stuart Casey-Maslen, Annie Golden Bersagel, Cambridge University Press.
3. Black-Branch, Jonathan (2017), “**Nuclear Terrorism by States and Non-state Actors: Global Responses to Threats to Military and Human Security in International Law**”, Journal of Conflict & Security Law, Vol. 22, No. 2.
4. Biro, Lucian, et al(2017), “**Nuclear and Radiologic Terrorism Impact on National Security**”, Romanian Journal of Forensic Science, Vol. 18, No. 5.
5. Brill, Kenneth C. and John H. Bernhard(2015), “**A Convention on Nuclear Security: A Needed Step Against Nuclear Terrorism**”, Arms Control Today, <https://www.armscontrol.org/act/2015-06/features/convention-nuclear-security-needed-step-against-nuclear-terrorism>

6. Colangel, Anthony J. and Peter Hayes(2019), “**An International Tribunal for the Use of Nuclear Weapons**”, Journal for Peace and Nuclear Disarmament, Volume 2, Issue 1.
7. Downes, Robert J. and Christopher Hobbs(2017), “**Nuclear Terrorism and Virtual Risk: Implications for Prediction and the Utility of Models**”, European Journal of International Security, Vol. 2, Issue. 2.
8. Prelas, Mark A. (2010), “**Biological Terrorism: Classification and Manufacture**”, in: Science and Technology of Terrorism and Counterterrorism, Edited by Tushar K. Ghosh, Mark A. Prelas, Dabir S. Viswanath and Sudarshan K. Loyalka, CRC Press Taylor & Francis Group, Second Edition.
9. Loue, Dominique and Robin Coupland (2007), “**Who will assist Victims of Nuclear, Radiological, Biological or Chemical Weapons-and How?**”, International Review of The Red Cross, Vol. 89, No, 866.
10. Korstanje, Maximiliano E (2019), **Terrorism, Technology and Apocalyptic Futures**, Palgrave Macmillan; 1st ed. edition, March 16.
11. McConaghy, Kieran(2017), “**Emotional Impetus for the Response to Terrorism**”, in: Terrorism and the State: Intra-state Dynamics and the Response to Non-State Political Violence, Kieran McConaghy, Publisher: Palgrave Macmillan; 1st ed. edition, August 24.
12. Gale, Robert P., and James O. Armitage(2018), “**Are We Prepared for Nuclear Terrorism?**”, New England Journal of Medicine, Vol. 378, No. 13.
13. Weiss, Michael, and Hassan Hassan(2016), **ISIS: Inside the Army of Terror**, New York: Regan Arts.